

خارج الفقہ

۱۱-۹-۲۰۱۴ فقہ اکبر ۳

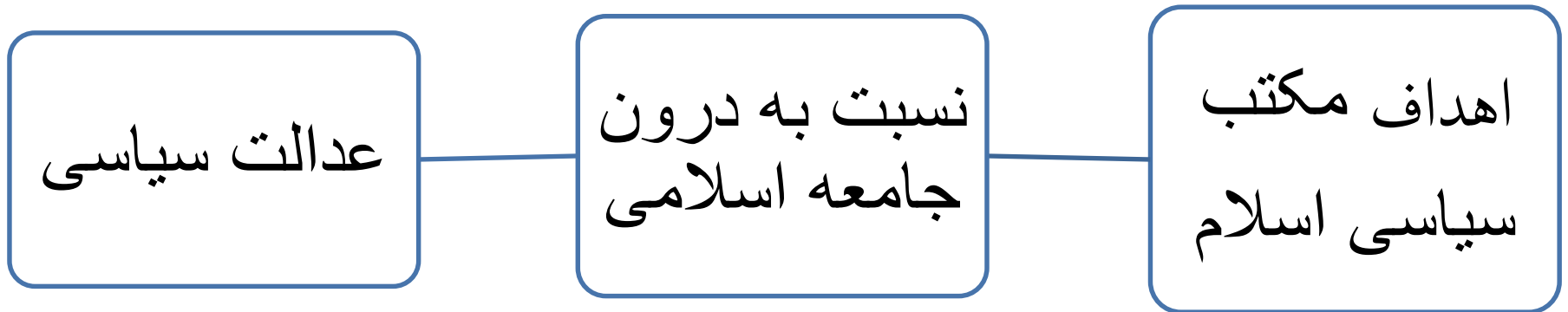
۳۷

(مکتب و نظام سیاسی اسلام)

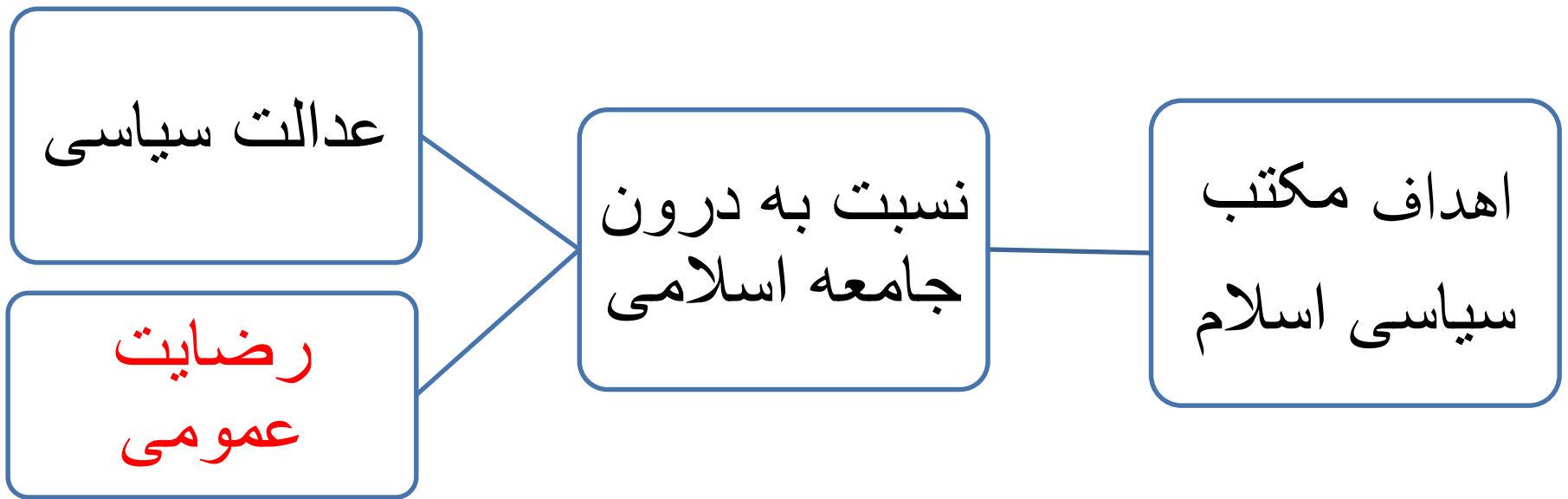
دراسات الاستاذ:

مهدي الهادي الطهراني

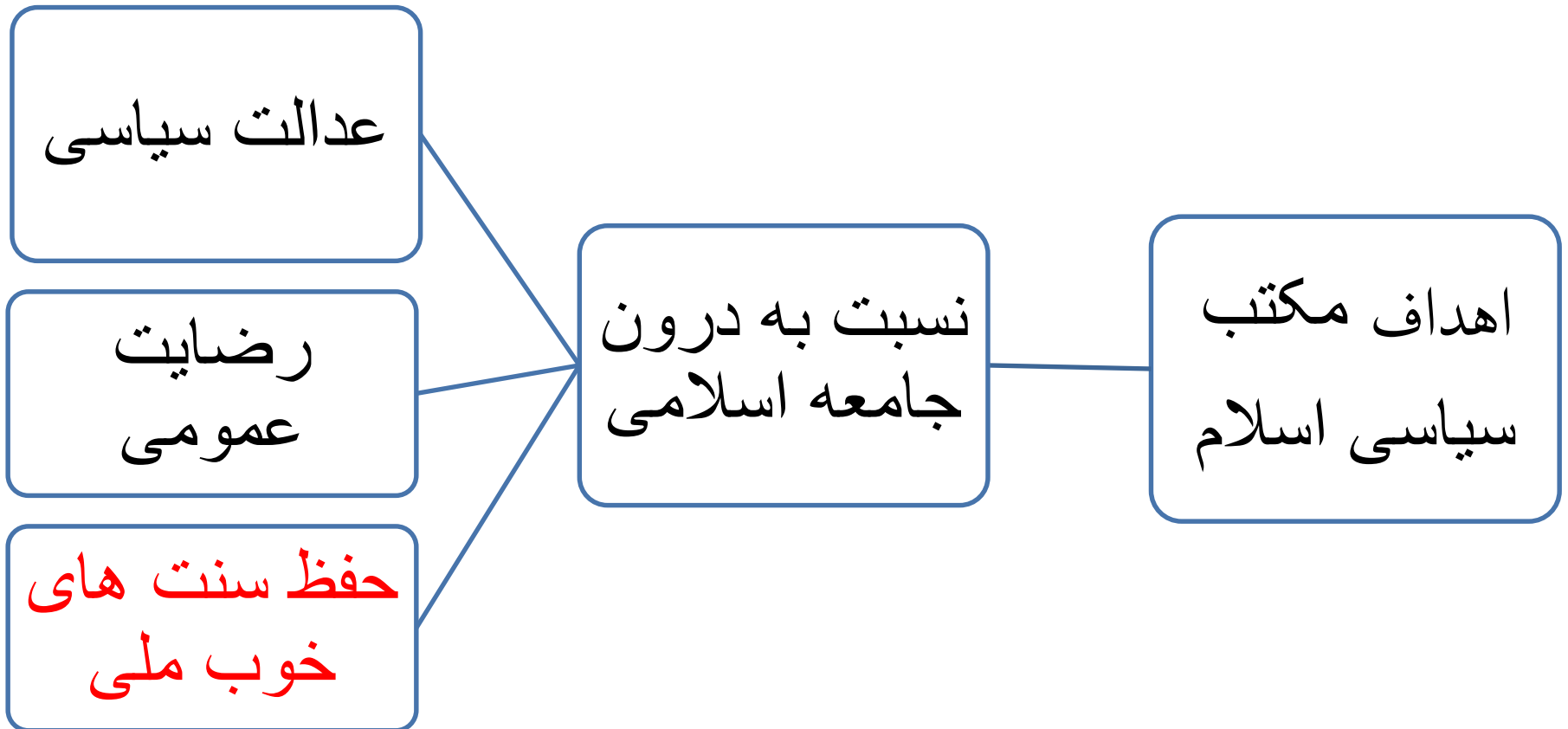
اهداف مكتب سياسى اسلام



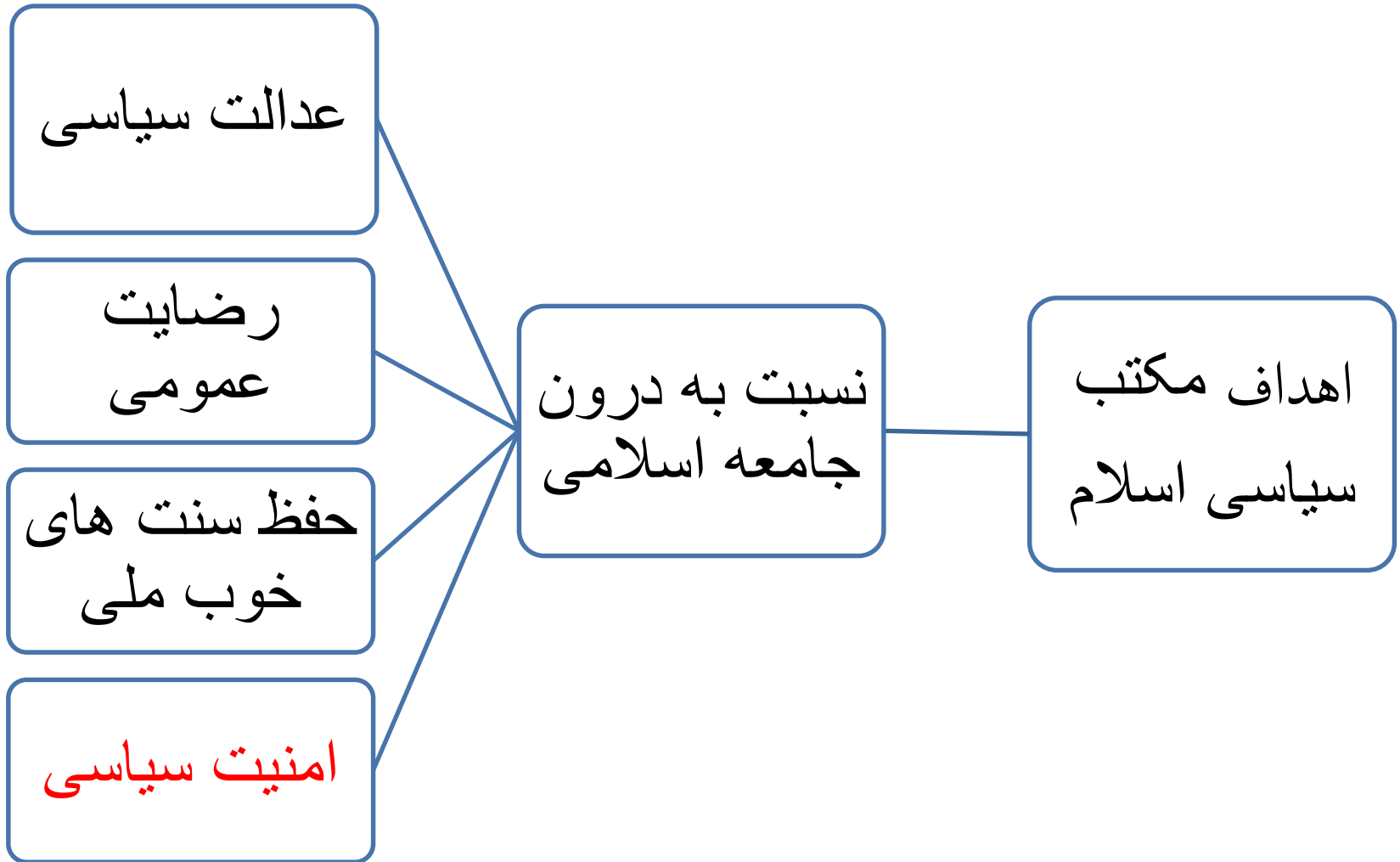
اهداف مكتب سياسى اسلام



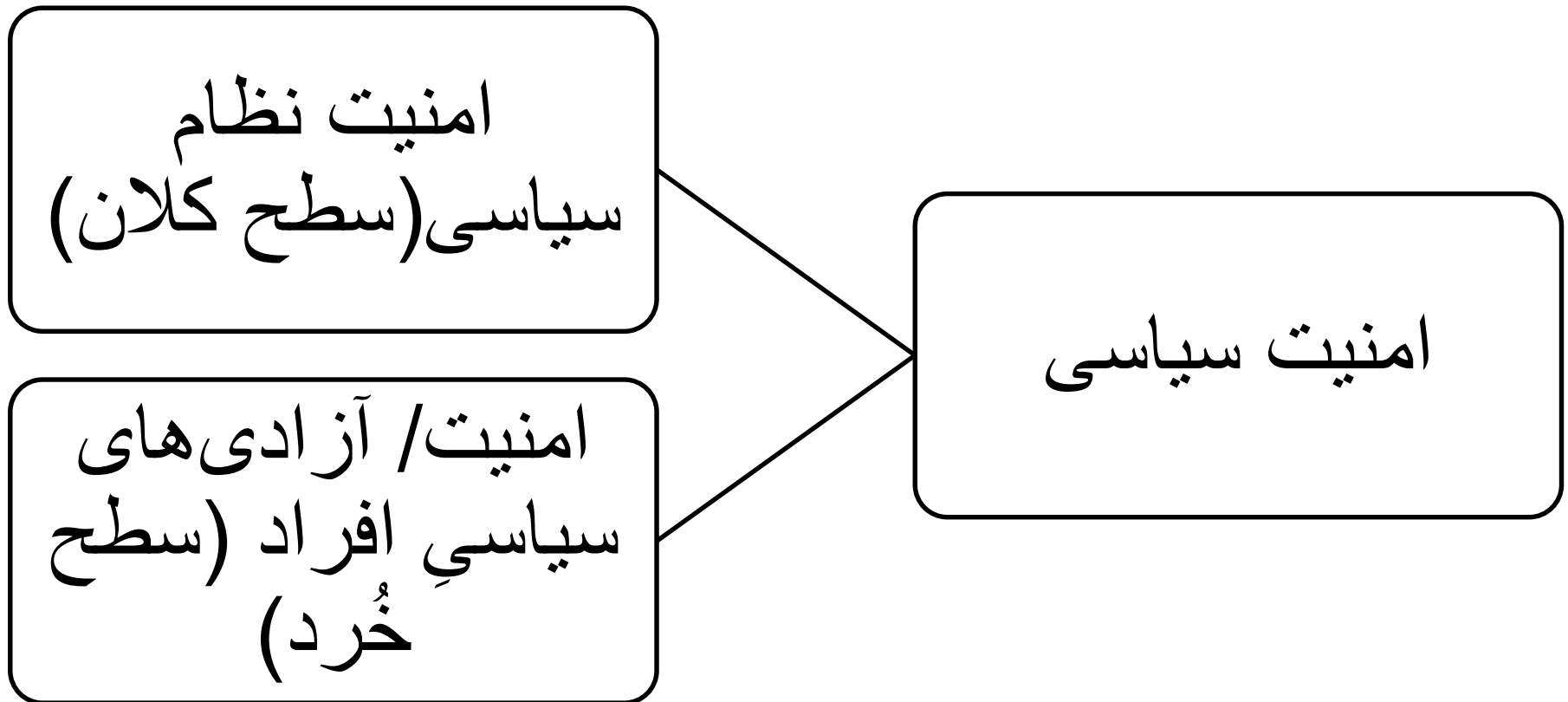
اهداف مکتب سیاسی اسلام



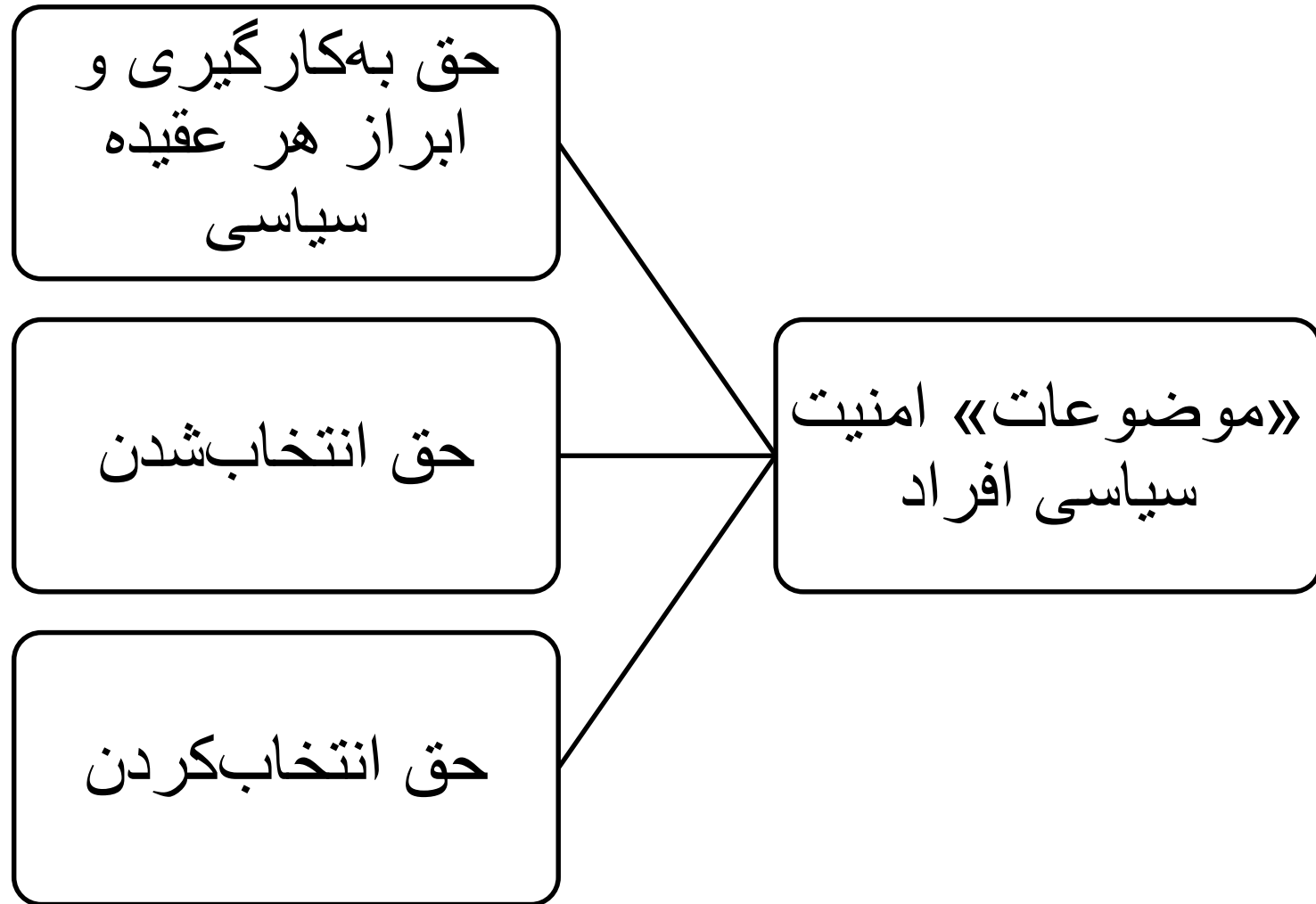
اهداف مکتب سیاسی اسلام



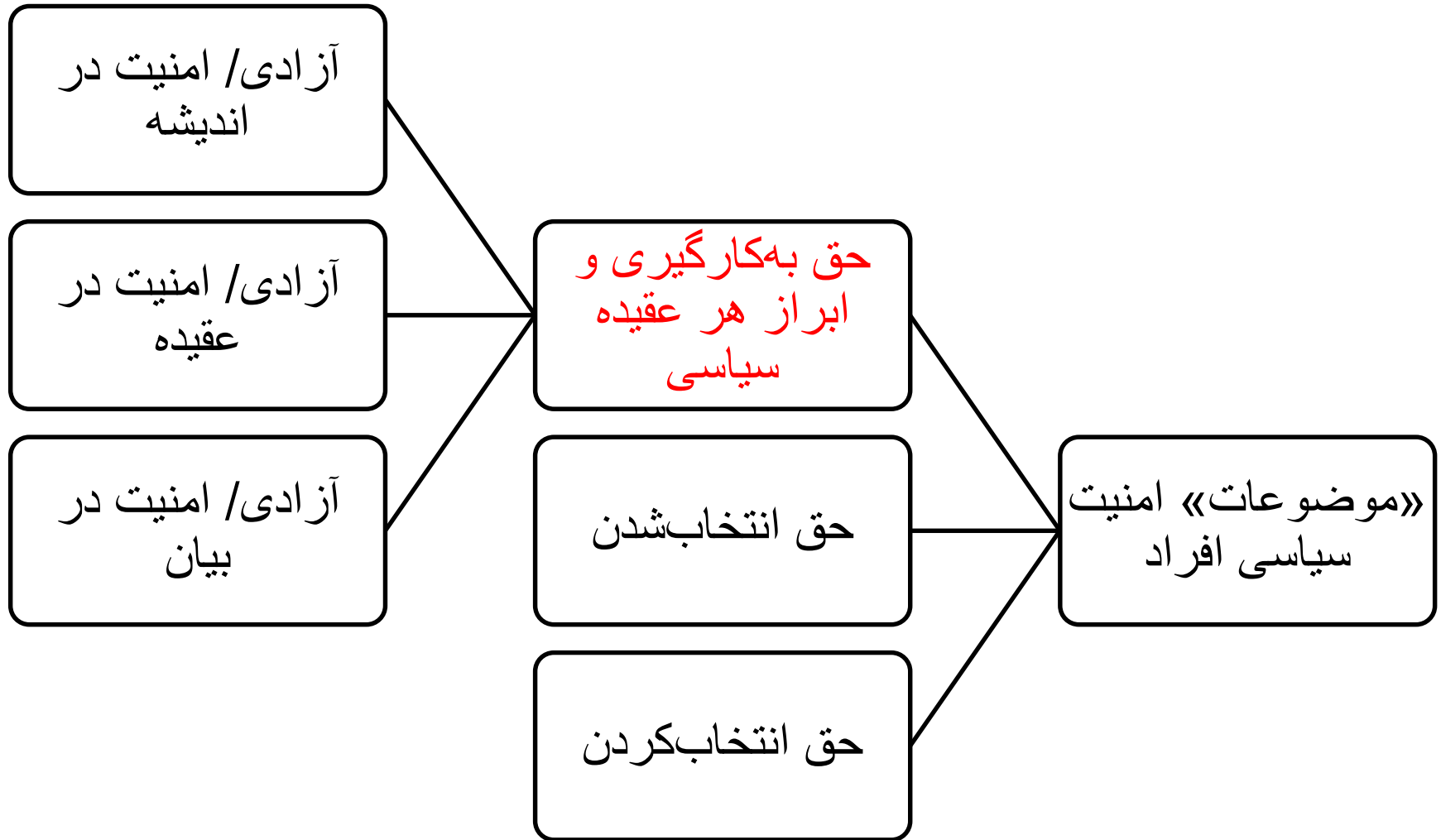
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



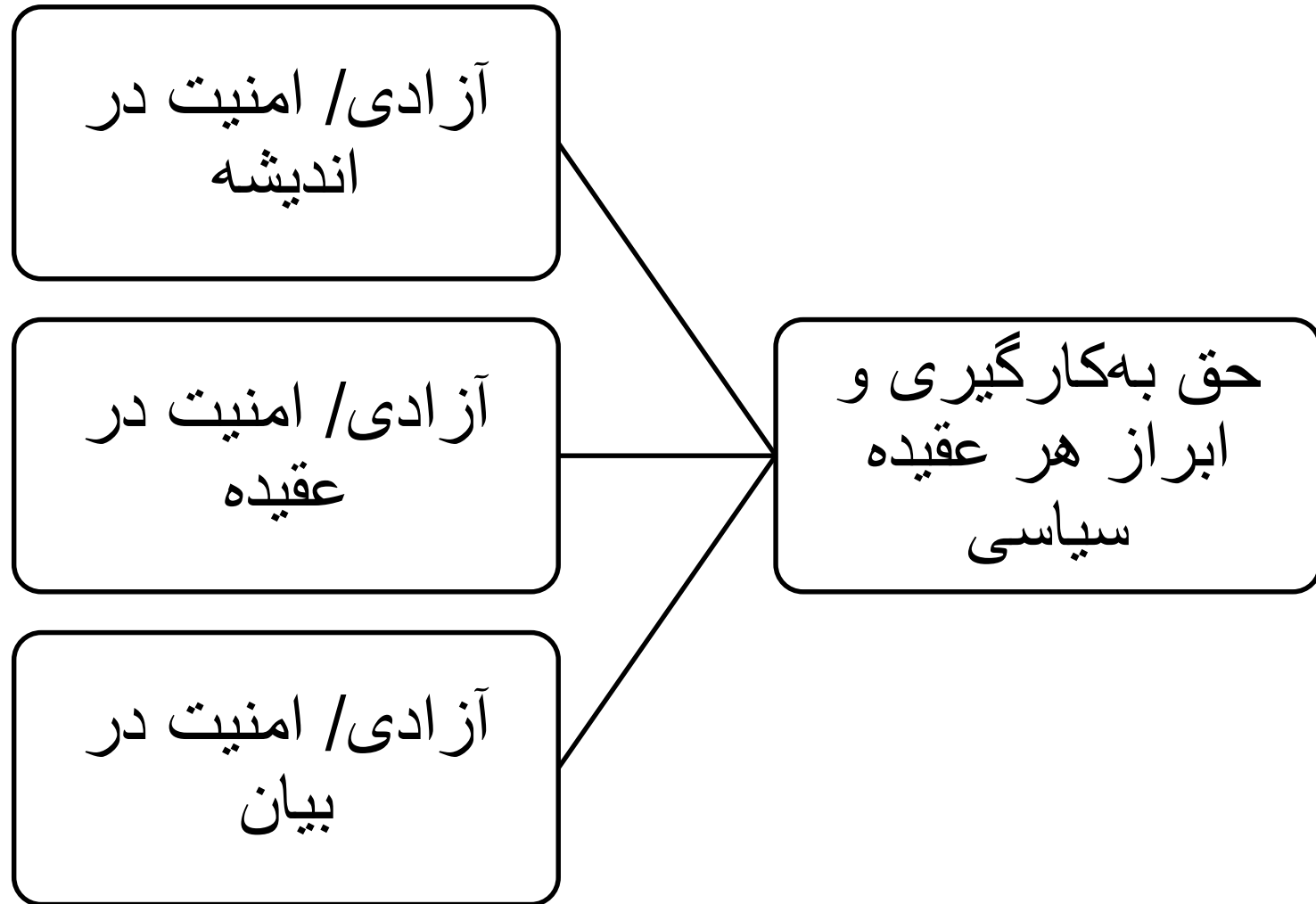
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



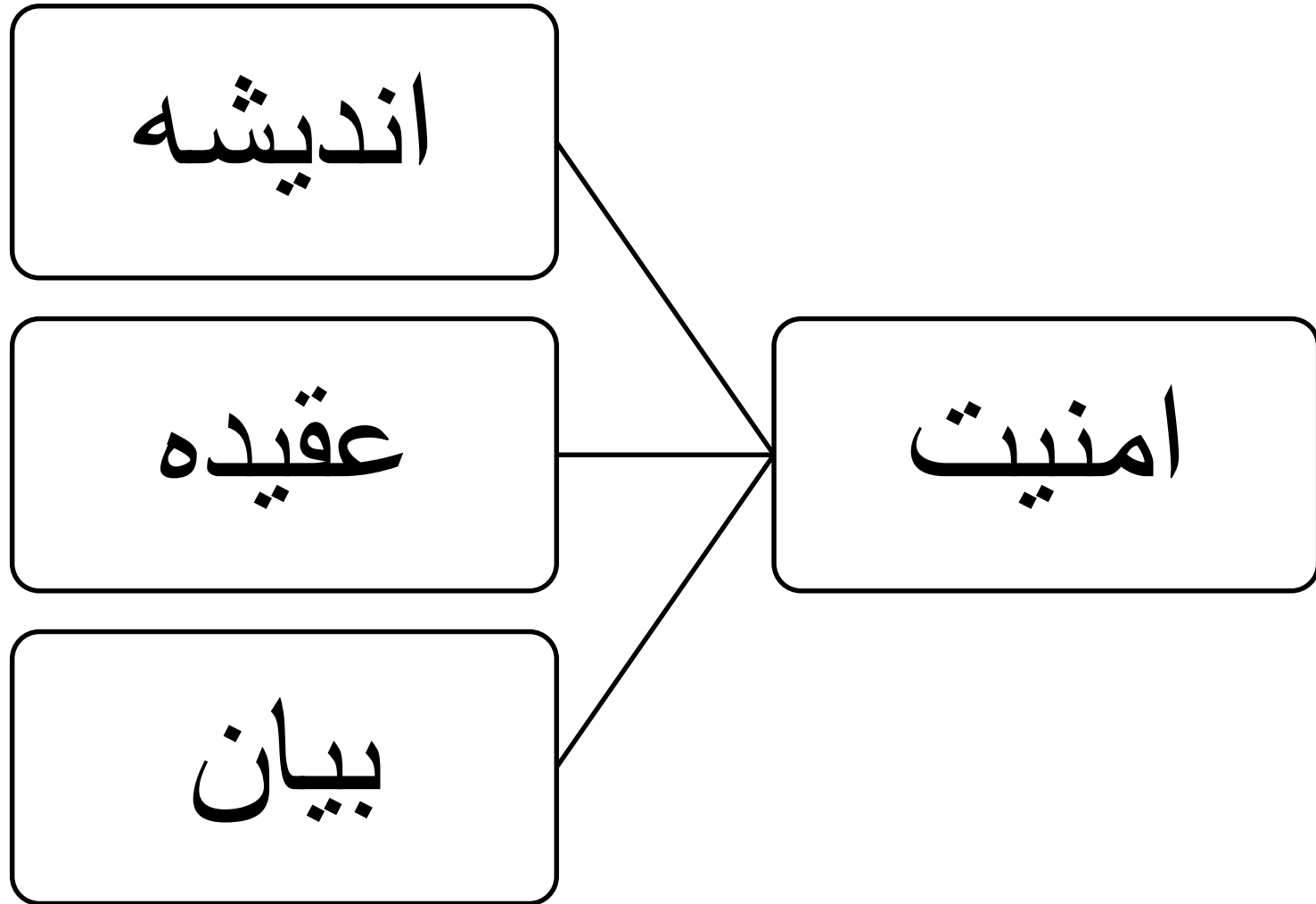
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



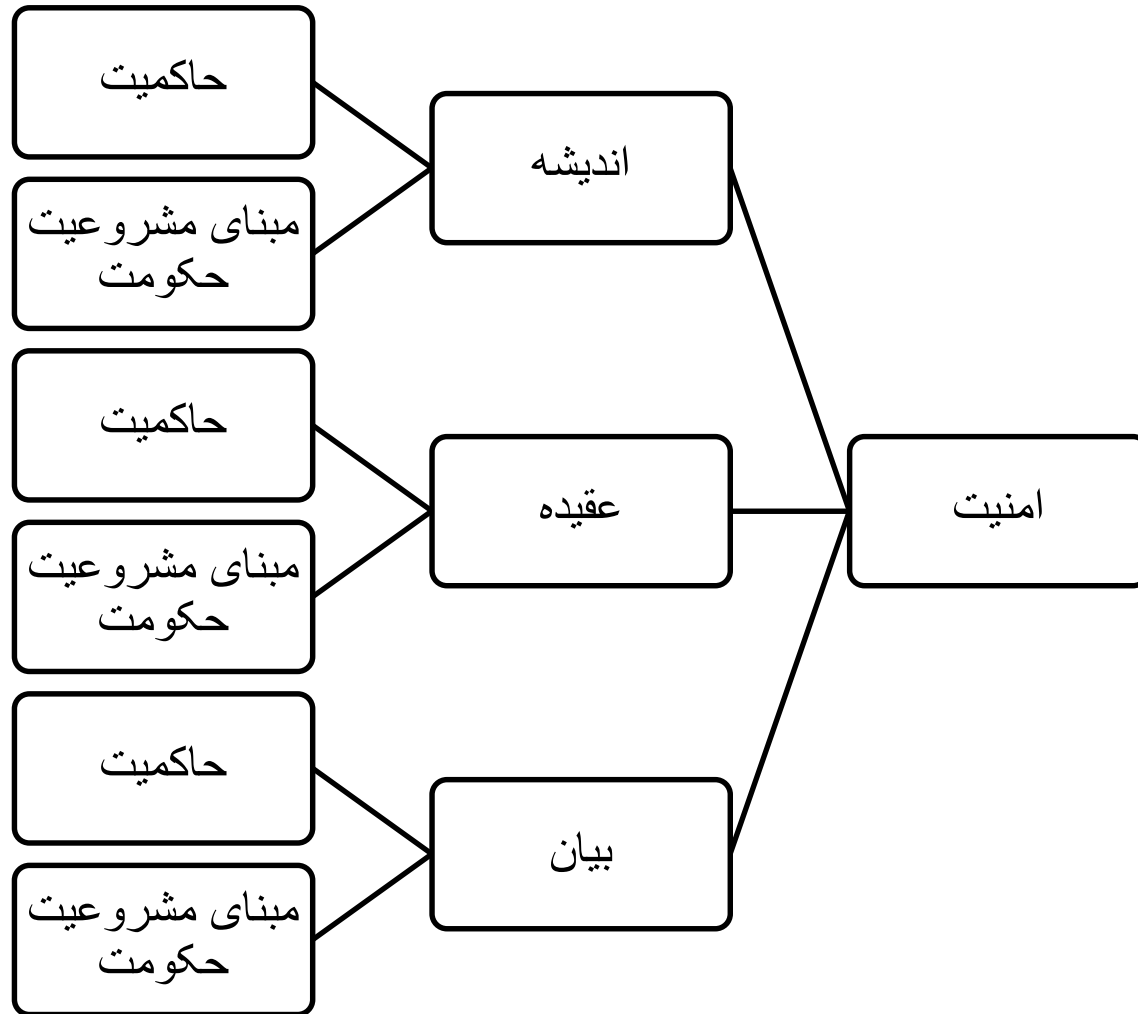
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



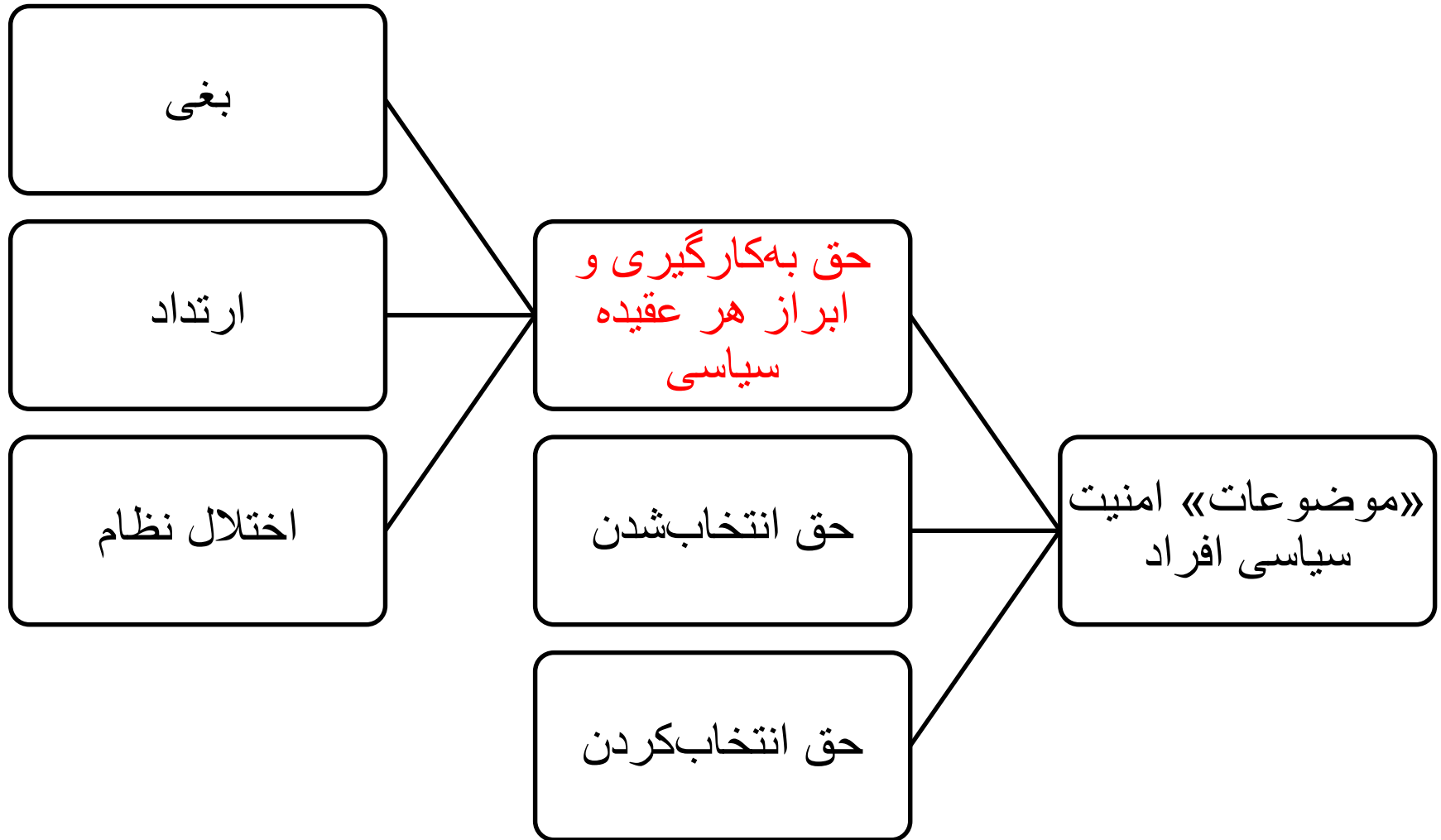
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



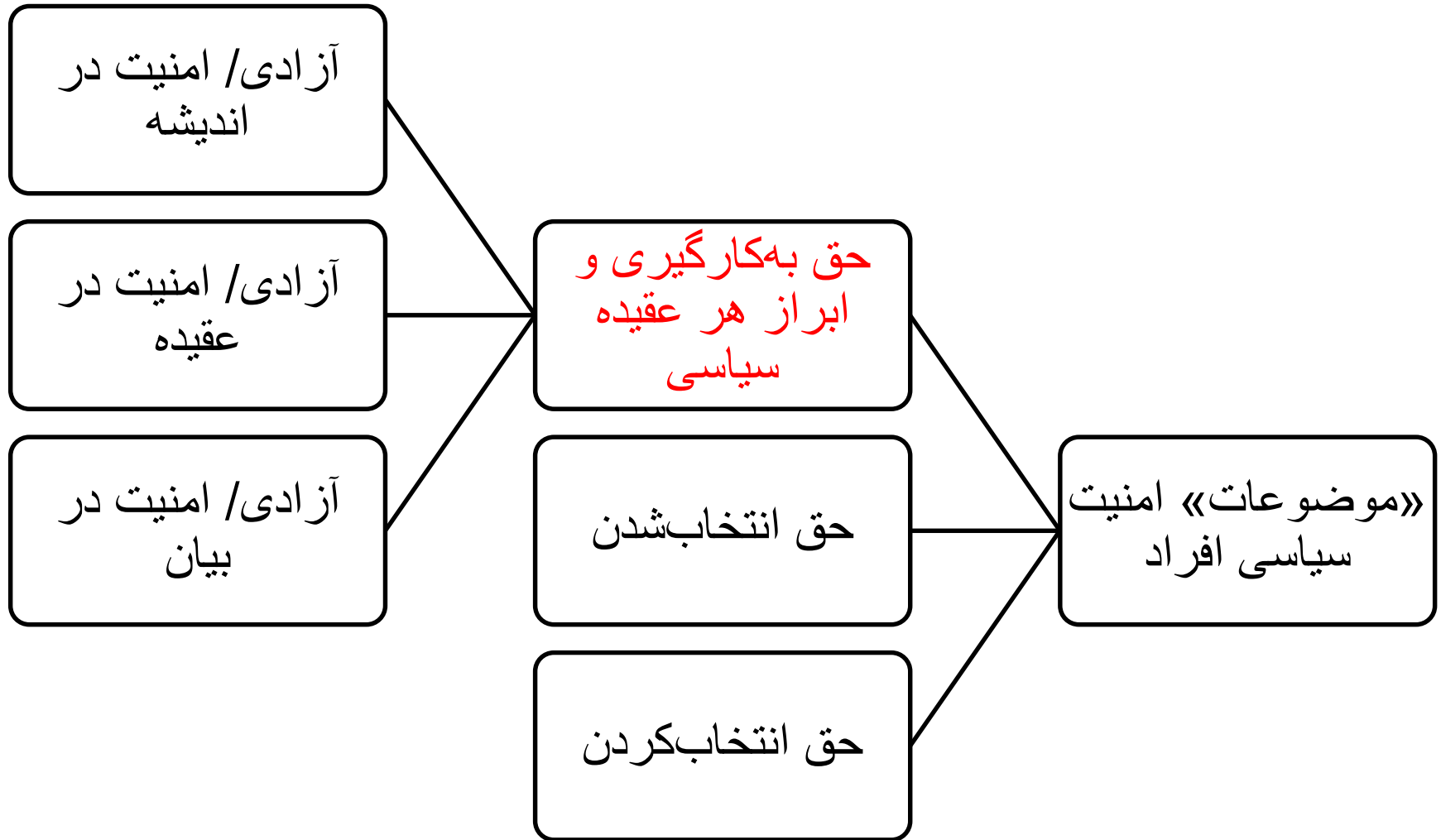
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- ۴. امنیت سیاسی
- همان‌گونه که پیش‌تر آمد، امنیت سیاسی، یکی از «موضوعات» کلان امنیت است که خود، سطوح و موضوعات جزئی‌تری را دربردارد. بر این اساس، گاهی منظور از امنیت سیاسی، امنیت نظام سیاسی است (سطح کلان) و گاهی منظور از امنیت سیاسی، امنیت / آزادی‌های سیاسی افراد است (سطح خرد).

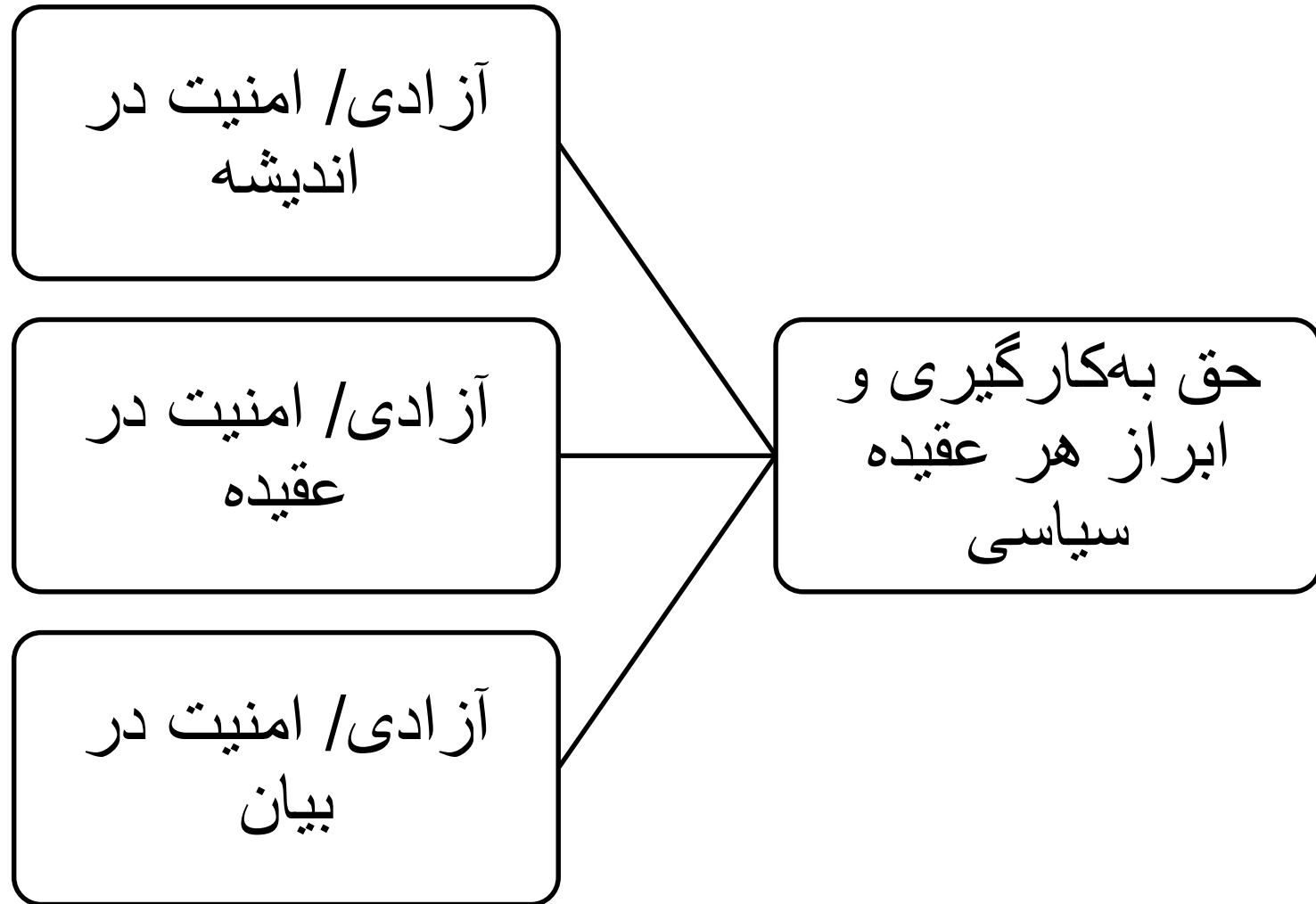
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- بر این اساس و با مطالعه حقوق سیاسی که برای «افراد» در یک جامعه اسلامی از سوی فقها ترسیم شده است، می‌توان سه حق برای افراد در نظر گرفت که نیازمند صیانت، پاسداری و احترام از سوی دولت می‌باشد و در اعمال این حقوق، افراد باید احساس امنیت داشته باشند. به عبارت دیگر، «موضوعات» امنیت سیاسی افراد عبارت‌اند از: حق به‌کارگیری و ابراز هر عقیده سیاسی، حق انتخاب‌شدن، حق انتخاب‌کردن.

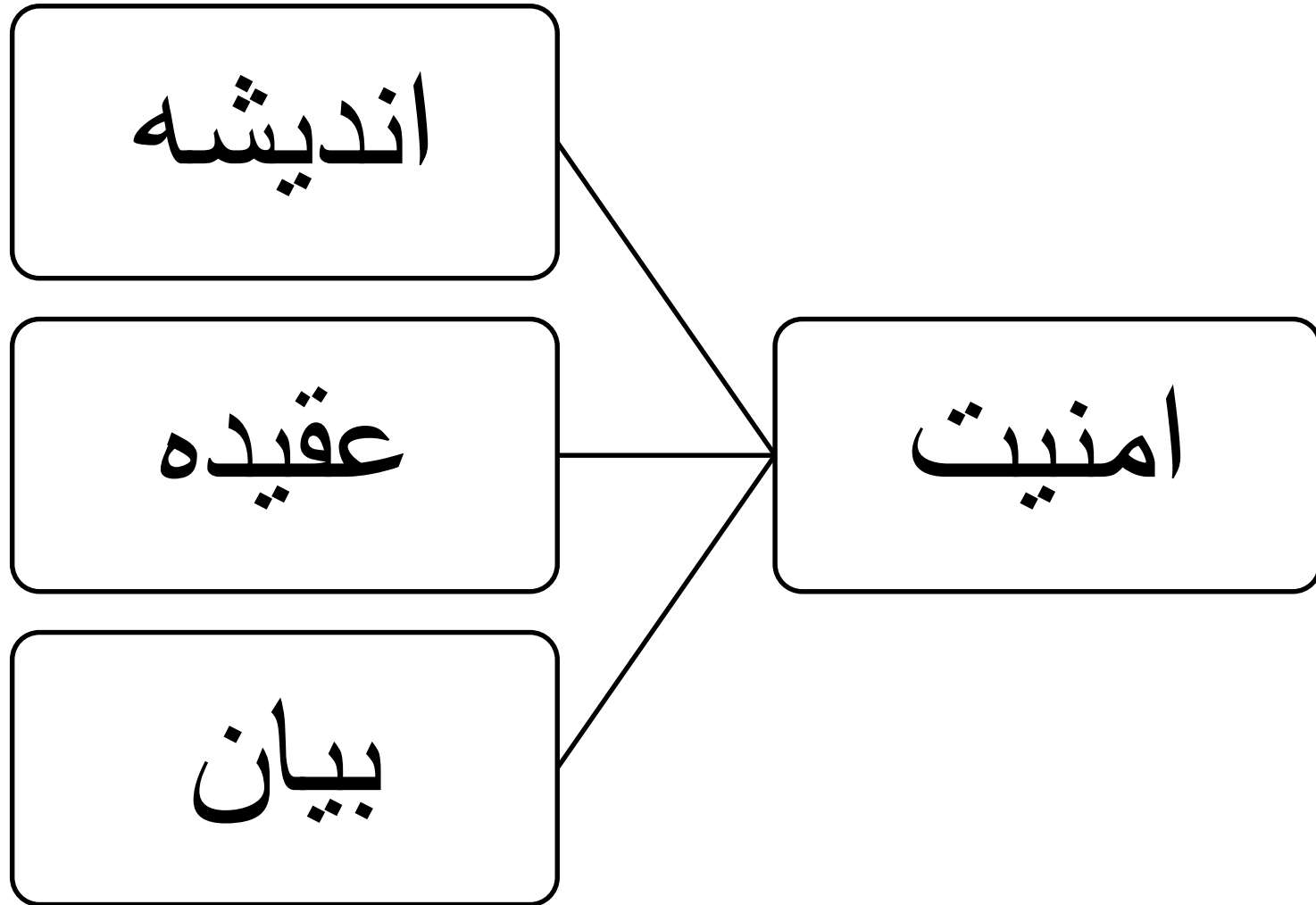
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



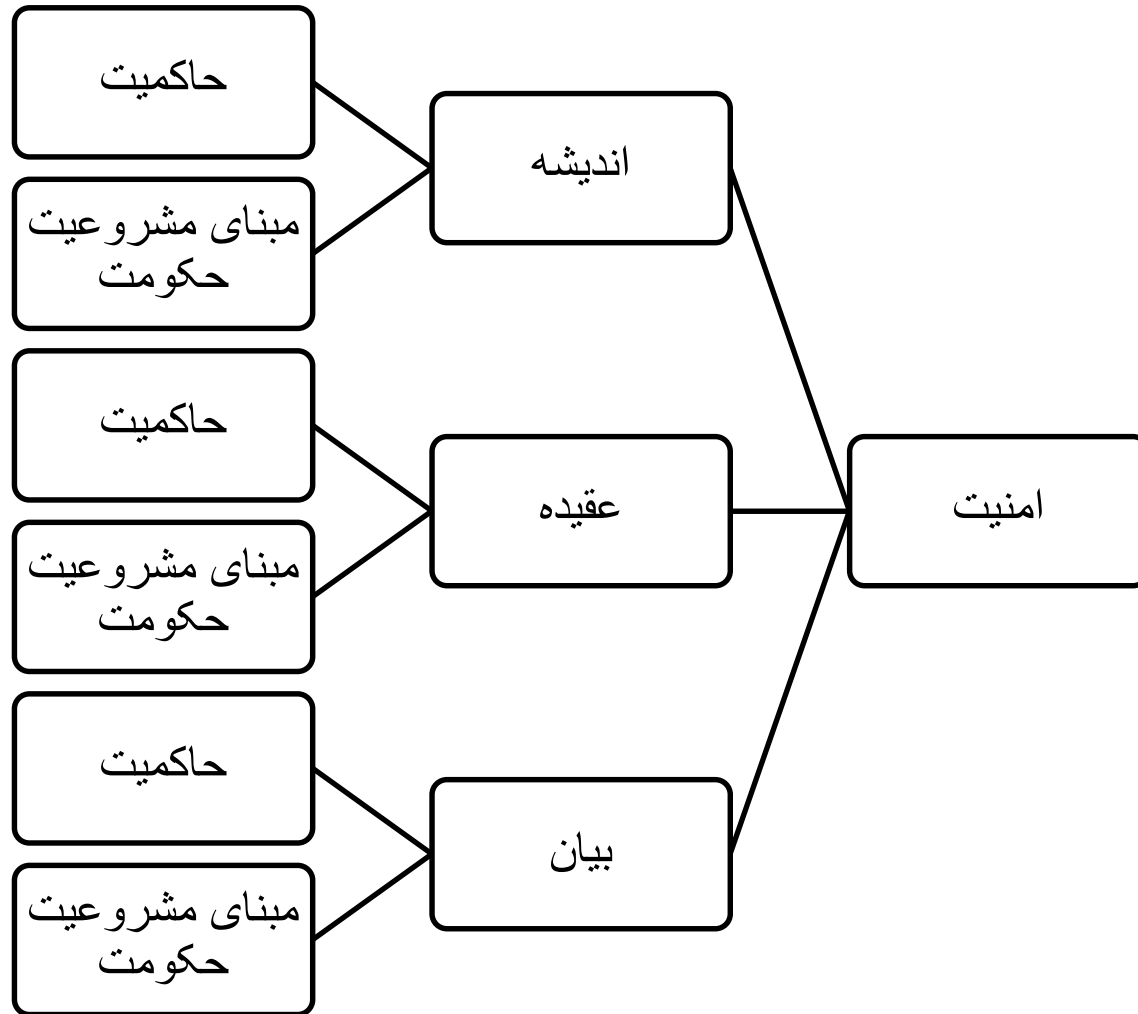
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- 1) a- 4. حق به‌کارگیری و ابراز هر عقیده سیاسی
- یکی از نخستین وجوه امنیت سیاسی افراد، این است که آنها بتوانند اولاً، نسبت به همه عقاید و گرایش‌های سیاسی بیندیشند و تحقیق و بررسی نمایند (آزادی / امنیت در اندیشه)؛ ثانیاً، یکی از این عقاید و گرایش‌ها را بپذیرند (آزادی / امنیت در عقیده)؛ ثالثاً، آن عقیده و گرایش سیاسی خود را ابراز و تبلیغ نمایند (آزادی / امنیت در بیان).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- در حوزه امر سیاسی، امنیت اندیشه، عقیده و بیان، هم نسبت به شخص حاکم جامعه اسلامی (حاکمیت) و مشروعیت او می‌تواند مطرح شود و هم نسبت به مبنا و اعتقادات و زیربنای فکری حکومت (ایدئولوژی یا تئوری حاکمیت یا مبنا مشروعیت حکومت) می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد. علاوه بر این، تأثیری که این اندیشه، عقیده و بیان در نظم عمومی دارد نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- بر این اساس، چنانچه عقیده فردی همسو و هماهنگ با تئوری پذیرفته شده و تثبیت شده موجود باشد که طبعاً مشکل و محدودیت خاصی برای ابراز آن قابل تصور نیست، جز اینکه نباید این عقاید حقه به گونه‌ای نشر داده شود که باعث وهن مذهب* یا اخلال در نظم و امنیت جامعه یا برانگیختن اختلافات قومی، مذهبی یا سیاسی بشود؛*

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- در این باره، عمومات وجوب حفظ نظام، حرمت اختلال نظام، تفرقه و بی‌نظمی می‌تواند مورد استناد قرار گیرد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- اما اگر عقیده سیاسی فرد، بر مخالفت با مشروعیت حاکم یا مشروعیت حاکمیت یا نظم جامعه اسلامی مبتنی باشد، با سه محدودیت مواجه خواهد بود و ضمانت اجرای دنیوی (قابلیت مجازات) یافته است.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- 1) (i-1-4. محدودیت اول با عنوان «بغی»
- پیش‌تر آمد که یکی از وجوه امنیت سیاسی افراد در جامعه اسلامی، حق بر انتخاب هر عقیده سیاسی است.
- از آنجا که ایجاد عقیده، امری نفسانی، ذهنی و غیرارادی است؛ بنابراین داشتن هر عقیده‌ای به خودی خود، هیچ محدودیتی را به طور ثبوتی و اثباتی پذیرا نیست؛**

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- بنابراین امنیت و آزادی افراد در به‌کارگیری هر عقیده‌ای - تکویناً و تشریحاً - محترم بوده، به رسمیت شناخته شده است؛ چه این عقیده سیاسی، بر همراهی و موافقت با حاکم اسلامی و چه بر اعتقاد به عدم مشروعیت حاکم اسلامی و مخالفت با وی مبتنی باشد؛

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- بنابراین چنانچه فردی به این عقیده رسیده باشد که حاکم کنونی جامعه اسلامی (اعم از امام معصوم یا امام عادل)، شایستگی و مشروعیت تصدی حکومت را ندارد، ضوابط و آموزه‌های فقه شیعه برای این عقیده او امنیت قائل می‌شود و به هیچ‌کس حق تعرض به چنین عقیده‌ای را نمی‌دهد و اساساً کنکاش و تفتیش از این عقاید، مورد نهی قرار گرفته است.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- در حالت دوم، این فرد از روی خیرخواهی و به جهت اصلاح امور جامعه اسلامی، مخالفت خود را علنی می‌سازد تا از باب امر به معروف و النصیحة لائمة المسلمین، انجام وظیفه کرده باشد. البته برخی فقها شرایطی را برای نصیحت کردن امام جامعه اسلامی مقرر داشته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۶۹-۷۱)؛ ولی این سطح از مخالفت با حاکم جامعه اسلامی نیز قرین با امنیت برای صاحب آن است.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- مرحله و سطح بعد، در این است که فرد به تبلیغ عقیده خود و تأثیر در عقاید دیگران و گردآوری همراهان و هوادارانی پردازد تا از این راه با تغییر در نظام سیاسی موجود، خود یا آن کس که او می‌پسندد، زمام امور را به دست گیرد. در این مرحله، دو دیدگاه فقهی قابل تصور است:

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- دیدگاه اول: از آنجا که تبلیغ مخالفت با حاکم اسلامی، به تضعیف پایه‌ها و مبانی مشروعیت حاکم جامعه اسلامی می‌انجامد و احتمال بروز ناامنی را به دنبال دارد، باید از این تبلیغ ممانعت به عمل آورد؛ یعنی در آوردگاه امنیت سیاسی فرد با امنیت عمومی و نظم جامعه اسلامی و مشروعیت حاکم اسلامی، امنیت جامعه و حاکم اسلامی مقدم می‌شود.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- این دیدگاه در زمان امیر مؤمنان [؟]، از سوی برخی یاران ایشان ابراز شده است (ثقفی، ۱۳۷۴، ص ۱۲۰-۱۲۲) و با آنکه به وسیله آن حضرت مورد پذیرش قرار نگرفته است؛ ولی به عقیده برخی فقها و با استناد به برخی روایات، این سیره امیر مؤمنان [؟] در سهل‌گیری بر مخالفان سیاسی را باید حمل بر تقیه کرد؛

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- به عنوان مثال، صاحب جواهر معتقد است رفتارهای ملایم حضرت علی [?] با یاغیان، نه به جهت اجرای احکام واقعی اسلام در برابر مخالفان سیاسی، بلکه از باب تقیه و رعایت مصلحت آینده شیعیان بوده است و در صورت ظهور امام زمان (عج)، ایشان به اجرای محدودیت‌های رفتارهای حضرت علی [?] ملزم نیست و هرگونه صلاح بدانند، با مخالفان خویش برخورد خواهند کرد (نجفی، ۱۳۶۸، ج ۲۱، ص ۳۳۵).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه
 همچنین شیخ حر عاملی در کتاب وسائل الشیعه که از منابع
 معتبر حدیث در مذهب شیعه می باشد، آشکارا به این امر
 اشاره می کند و احادیثی نقل می کند (حر عاملی، ۱۴۰۹،
 ج ۱۵، ح ۲۰۰۱۵، ص ۷۶ / همان، ح ۲۰۰۲۰، ص ۷۹ /
 طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۵۵ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳،
 ص ۴۴۲)، مبنی بر اینکه حضرت می دانست یاران و
 پیروانی دارد و اگر برخورد ملایم و آرامی با مخالفانش
 نداشته باشد، دشمنان با حاکم شدن شان، بی رحمانه ترین
 رفتارها را با شیعیان خواهند داشت.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- در این میان برخی فقهای معاصر، با استناد به دلایل قرآنی و روایی و نیز قاعده وجوب مقدمه واجب و تنقیح مناط، معتقدند تجسس و مراقبت بر اعمال، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروه‌های مخالف و کنترل و توقف فعالیت‌های آنها، از نظر شرع جایز و بلکه واجب شمرده می‌شود (منتظری، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۳۵۲).

- دیدگاه دوم: در مقابل دیدگاه نخست، مشهور فقهای امامیه بر این باورند که تبلیغ عقاید سیاسی و ابراز مخالفت با حاکم اسلامی، تا زمانی که به قیام مسلحانه منتهی نشود، «بغی»* تلقی نمی‌گردد. به بیان دیگر، افراد آزادند تا مخالفت خود با حاکم اسلامی را آشکارا ابراز نمایند و هیچ محدودیتی - به جز اینکه به قیام مسلحانه منتهی شود یا موجب اختلال نظام گردد - بر «ابراز» عقیده سیاسی وجود ندارد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- در تأیید این دیدگاه می‌توان به دلایل ذیل اشاره کرد:

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- اولاً، تقریباً در همه تعاریف ذکر شده، «بغی» عبارت است از «خروج بر امام عادل»

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۰، ص ۲۹۶-۲۹۷ / ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸، ص ۲۰۵ / علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۵۲۲ / همان، ج ۴، ص ۴۴۸ / همو، [بی تا]، ج ۱، ص ۱۵۵ / همو، ۱۴۱۱، ص ۸۸ / شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۰۷ / ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۵ / عاملی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۱ / محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۴۴۰ / مالکی نجفی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۳۶۷ / مرعشی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۶۵ به بعد)؛

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- بنابراین تا زمانی که «خروج» صورت نگیرد، بغی محقق نشده است.
- درباره «خروج»، دو دیدگاه فقهی وجود دارد:
- برخی فقها خروج را به معنای مطلق «اطاعت نکردن از دستور رهبر مسلمانان» دانسته‌اند:

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- يدخل في البغاه كل باغ على الإمام أو نائبه الخاص أو العام، ممتنع عن طاعته فيما أمر به و نهى عنه. فمن خالف في ترك زكاة أو خمس أو رد حقوق حاربوه و لحاكم المسلمين الحامي لبيضة الاسلام والدافع عن دماء المسلمين و اعراضهم إذا اضطر إلى ذلك، محاربتة (كاشف الغطا، ١٤٢٢، ج ٤، ص ٣٦٧).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- برخی دیگر، با تضییق دامنه این اصطلاح، آن را به معنای صرف «قیام و اقدام مسلحانه» محسوب کرده‌اند: «البغی فی عرف المتشرعة الخروج علی الإمام العادل بالسيف و نحوه» (روحانی، ۱۴۱۲، ج ۱۳، ص ۱۰۷).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

• ثانیاً، برای مقابله نظامی و قهرآمیز با «بغات»، شرایطی مقرر شده است* که نشان‌دهنده آن است که جرم بغی، فقط انتخاب، ابراز و تبلیغ عقیده سیاسی مخالف نیست و به حالت‌هایی مربوط می‌شود که امنیت عمومی یا امنیت ملی جامعه را تهدید می‌کند. برخی از این شرایط عبارت‌اند از:

• - از امام جدا شوند و از پیروی وی خودداری نمایند (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۲۹۶-۲۹۷ / علامه حلی، [بی‌تا]،

۴۱ امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه (حسین رحمت‌اللهی ۱ نجف لک زایی ۲ محمدجواد ارسطا ۱ هادی حاج زاده

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- در این مخالفت، دچار لجاجت یا عناد باشند یا دچار اشتباهی شده باشند که پذیرفتنی نیست.
- پیش‌تر با ارشاد، تذکر و موعظه، حجت را بر آنها تمام کرده باشند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۲۶۵ / علامه حلی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۳۰ / صاحب‌جواهر، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۳۳۴ / بهجت، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۴۳۸).***

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- از مجموع نظرات و ادله فقهی می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که صرف به‌کارگیری، ابراز و حتی تبلیغ عقیده سیاسی مخالف با حاکم اسلامی، نمی‌تواند مجوزی برای برخورد قاهرانه با فرد مخالف باشد و حتی اقدامات عملی و مسلحانه این گروه نیز با نهایت مدارا و ملاحظه پاسخ داده می‌شود (وجه سلبی امنیت سیاسی).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- همچنین در سیره امیر مؤمنان [?] مشاهده می‌شود که ایشان به عقاید و نظریات مخالف، احترام می‌گذاشتند و آنها را باعث ارتقای سطح فکری آحاد جامعه قلمداد می‌کردند؛ به همین دلیل، تا زمانی که این عقاید سیاسی مخالف، در جهت خیرخواهی و صلاح مطرح شود و به شکل‌گیری اقدامات مسلحانه منجر نشود، مطلوب تلقی می‌گردد؛

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- به عنوان مثال، درباره برخورد امیر مؤمنان [?] با خوارج؛ اولاً، ایشان هیچ‌گاه از لفظ مشرک یا منافق استفاده نمی‌کرد، بلکه می‌فرمود: «اینها برادران ما هستند که بر ما یورش مسلحانه آورده‌اند» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۱۳)؛ * ثانیاً، می‌فرمود: «همانا من کسی را به صرف اتهام و گمان، بازداشت و مؤاخذه نمی‌کنم» (ثقفی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۶)؛

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- ثالثاً، می فرمود: «همانا تا زمانی که آنان خونی نریخته و به حریمی تجاوز ننموده‌اند، ما مانع استفاده آنان از بیت‌المال و مساجد نمی‌شویم» (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۹۳). علاوه بر این، حضرت، نصیحت (ابراز عقیده مخالف) از روی خیرخواهی را یکی از حقوق والی بر مردم می‌دانست (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۷۹)*** و مردم را به مشورت‌دهی (وجه ایجابی امنیت) امر می‌کرد (همان، ص ۳۳۵).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- در این باره، حضرت امام خمینی در مقاطع گوناگونی بر آزادی عقیده و بیان، تا آنجا که باعث اختلال نظام نشود، تأکید کرده‌اند:

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

• در جامعه‌ای که ما به فکر استقرار آنیم، مارکسیست‌ها در بیان مطالب خود آزاد خواهند بود؛ زیرا ما اطمینان داریم اسلام دربردارنده پاسخ به نیازهای مردم است. ایمان و اعتقاد ما قادر است با ایدئولوژی آنها مقابله کند. در فلسفه اسلامی، از همان ابتدا مسئله کسانی مطرح شده است که وجود خدا را انکار می‌کرده‌اند. ما هیچ‌گاه آزادی آنها را سلب نکرده و به آنها لطمه وارد نیاورده‌ایم. هرکس آزاد است که اظهار عقیده کند و برای توطئه‌کردن آزاد نیست (خمینی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۳۷۱).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

• در حکومت اسلامی، همه افراد دارای آزادی در هرگونه عقیده‌ای هستند؛ ولیکن آزادی خرابکاری را ندارند (همان، ج ۴، ص ۴۳۶).

• در جمهوری اسلامی، هر فردی از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار خواهد بود؛ ولیکن هیچ فرد یا گروه وابسته به قدرت‌های خارجی را اجازه خیانت نمی‌دهیم (همان، ج ۵، ص ۱۳۹).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- [در مورد آزادی بیان و عقیده، شما چه حدودی را در نظر دارید؟ آیا فکر می‌کنید باید محدودیت‌هایی قائل شد یا نه؟] - اگر مضر به حال ملت نباشد، بیان همه چیز آزاد است. چیزهایی آزاد نیست که مضر به حال ملت ما باشد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- [آیا فکر می‌کنید که گروه‌های چپ و مارکسیست که در ایران هستند، آزادانه فعالیت خواهند داشت؟] - اگر مضر به حال ملت باشد، جلوگیری می‌شود؛ اگر نباشد و فقط اظهار عقیده باشد، مانعی ندارد. [یعنی منظورتان این است که احزاب آزاد خواهند بود یا نه؟] - همه مردم آزادند، مگر حزبی که مخالف با مصلحت مملکت باشد» (همان، ص ۵۲۰).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- آزادی بیان و قلم و عقیده برای همگان آزاد می‌باشد؛ ولیکن مردم توطئه را هرگز اجازه نمی‌دهند (همان، ج ۶، ص ۲۶۲).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- 4. محدودیت دوم با عنوان «ارتداد»
- همان‌گونه که بیان شد، یکی از وجوه امنیت / آزادی سیاسی افراد، امنیت در به‌کارگیری و ابراز عقاید سیاسی است و این امنیت / آزادی فقط در سه مورد تحدید شده، به رسمیت شناخته نشده است.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- مورد اول در جایی است که فرد یا گروهی، ضمن عدم تعرض به اصل و اساس حکومت اسلامی، صرفاً به مناقشه در شخص حاکم جامعه اسلامی می پردازند و وی را شخصی فاقد صلاحیت و مشروعیت برای اداره جامعه اسلامی می دانند. در این حالت، چنانچه این افراد بر امام عادل «خروج» کنند و حائز شرایطی باشند، به موجب آموزه «بغی»، دیگر امنیتی نخواهند داشت و با آنها مقابله خواهد شد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- اما محدودیت دوم در جایی است که فرد، نه با شخص حاکم جامعه اسلامی، بلکه با مبنا و عنصر معنوی حاکمیت در جامعه اسلامی که همان اسلام است، عناد می‌ورزد و بر خلاف این شالوده می‌اندیشد، عقیده می‌یابد و عقیده خود را ابراز و تبلیغ می‌کند. در چنین مواردی نیز امنیت / آزادی فرد به گونه مطلق مورد پذیرش نیست و با آموزه «ارتداد»، مورد تحدید قرار گرفته است.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- با توجه به نظر فقها، برای ارتداد سه معنا قابل تصور می‌باشد: «ارتداد تردیدی»، «ارتداد اعتقادی» و «ارتداد عنادی». در معنای «تردیدی»، فرد به صرف تردید در عقایدش، مرتد تلقی شده است:
- و لافرق من آن تكون الرده بإعتقاد ما یوجب الکفر أو بشکه فیہ (علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۸۳).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- و يتحقق بالبينه عليه ولو في وقت مترقب أو التردد فيه (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۶۰۰).
- ترتب الإرتداد على نقض الإسلام بإنكار أو جحود أو نفاق أو شك أو عناد (كاشف الغطا، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۴۱۷-۴۱۸).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- در معنای «اعتقادی» چنانچه فرد پس از تردید، قطعاً منکر عقاید اسلامی شود و عقیده دیگری را برگزیند، مرتد محسوب می‌شود و در معنای «عنادی»، فرد در صورتی که از روی عناد و لجاجت، از عقاید اسلامی روی گردان شود، مرتد محسوب می‌شود. پرداختن به محتوا و ادله هر یک از این معانی، مجال مجزایی می‌طلبد (ر.ک: حاج‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۳۴۹-۳۷۱)؛

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- ولی تلقی بسیاری از فقها - به ویژه فقهای معاصر - بر این است که ارتداد فقط زمانی قابل مجازات می باشد که با هدف مقابله با حکومت اسلامی اتفاق بیفتد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- براساس این نظر اولاً، اگر کسی نسبت به اعتقادات اسلامی فقط دچار تردید شود و این تردید را بازگو نکند و باعث شبهه و تردید برای دیگران نشود، مرتد نیست؛ ثانیاً، اگر فرد به طور یقینی از عقاید اسلامی برگردد و عقیده و دین دیگری را برگزیند، چنانچه این امر را به گونه علنی ابراز و تبلیغ نکند، هرچند عنوان مرتد بر او صدق می‌کند؛ ولی مجازات دنیوی ارتداد شامل حال او نمی‌شود.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- اما اگر فرد در عقاید خود تردید کرد یا جزماً عقیده و دین دیگری را انتخاب نمود و این شبهه و تردید یا عقیده را برای دیگران بازگفت و تبلیغ کرد و بدین وسیله در عقاید دیگران تزلزل و تردید روا داشت،* چنانچه این اقدام او با انگیزه تضعیف حاکمیت اسلام صورت گرفته باشد (عنصر معنوی) یا در عمل، به تزلزل این حاکمیت و مبنای مشروعیت حکومت اسلامی منجر گردد (جرم مطلق)، مستحق مجازات است.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- آیت الله سید محمد حسن مرعشی در این باره می نویسد:
- اگر پس از اتمام حجت و راهنمایی های لازم، عمداً و عنادا اسلام را نپذیرفت و بر کفر و ارتداد ادامه داد و فردی خطرناک برای اسلام بود، قطعاً لازم است با آنها معامله به مثل کرد و اطلاق احکام مذکور درباره مرتدین، ناظر به این دسته از مرتدین است (مرعشی، ۱۳۷۶، ص ۹۲).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در این باره می‌نویسد:
- گاه ناآگاهانه و بر اثر وسواس مبلغان گمراه یا اشتباهاتی که در مطالعات برای او روی داده، با اسلام وداع می‌گویند و به سوی کفر می‌روند، بی‌آنکه هیچ سوء نیتی داشته باشند. گاهی آگاهانه و از روی عناد و دشمنی با اسلام مخالفت می‌کند... از آنجا که «الحدود تدرأ بالشبهات»، اجرای حدود در مواردی که قطعی نیست، ملغی می‌شود.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- همین احتمال جمع میان روایات کافی است که اجرای حد اعدام را در مورد مرتدین خالی از سوء نیت به تأخیر اندازیم و آنها را زیر پوشش تبلیغات صحیح اسلامی قرار داده، راه بازگشت منطقی و استدلالی را به روی آنها بگشاییم و اجازه دهیم آنها خود را اصلاح کنند و به آغوش اسلام بازگردند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ش ۲۳، ص ۱۶-۱۷).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

• همچنین به تعبیر مرحوم آیت‌الله منتظری:

• کسی که یا در حال تحقیق است یا در اثر ضعف مطالعه، یا القائنات تشکیک‌کنندگان، یا به دلایل دیگر در بعضی اصول یا فروع ضروری دین به شک می‌افتد، بدون داشتن عناد و تعصب و لجاجت مرتد محسوب نمی‌شود ... در مورد ارتداد و نیز سایر گناهانی که موجب حد یا تعزیر است، اگر کوچک‌ترین شبهه‌ای در ثبوت آنها باشد، حد و تعزیر جاری نمی‌شود (منتظری، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۵۲۶-۵۲۷).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- 3) (iii-1-4. محدودیت سوم با عنوان «حفظ نظام»

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- علاوه بر مواردی که به موجب اقدام بر علیه امنیت حاکم (حاکمیت) اسلامی یا حکومت اسلامی مورد منع قرار گرفته است، برخی موارد دیگر نیز وجود دارند که به دلیل رعایت مصلحت عمومی جامعه و حفظ نظم و امنیت روانی اجتماع، آزادی بیان افراد را محدود می‌سازند که از آن ذیل عنوان «حفظ نظام» یاد می‌شود.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

• * این مفهوم که در کتب فقهی با عنوان «قاعده اختلال» از آن یاد شده است، بدین معناست که هر عملی باعث اختلال در زندگی انسان‌ها و سستی معیشت آنها و جامعه‌شان شود، ممنوع است و هر عملی باعث حفظ این نظام شود نیز واجب و لازم می‌باشد (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۱۳)؛

• بنابراین چنانچه فردی به ابراز عقایدی پردازد که نه مصداق توطئه در جهت براندازی حکومت اسلامی

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه (حسین رحمت‌اللهی ۱ نجف لک زایی ۲ محمدجواد ارسطو ۱ هادی حاج زاده در سلسله‌الاستاذ: ۶۸ (بغی) و نه مصداق خروج از دین و ارتدادی بلاشکی الطالقی؛

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- تشخیص اینکه جامعه دچار هرج و مرج شده و شرایط اضطراری بر آن حاکم است، نباید صرفاً یک تشخیص فردی یا گروهی خاص باشد، بلکه پیدایش هرج و مرج در جامعه، امری روشن است و تمامی آن جامعه یا اکثریت آن، به آن می‌رسند و احراز آن برای آنها که مکلف اصلی و اولی برای ایجاد نظم هستند، کار مشکلی نیست (منتظری، ۱۴۲۹، ص ۵۵).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- به عنوان جمع‌بندی مباحث این بخش می‌توان این‌گونه گفت که به لحاظ اندیشه، عقیده و بیان در حوزه امر سیاسی، اصل اولی بر امنیت و آزادی کامل افراد است و آنها می‌توانند به هر شکل بیندیشند، عقیده یابند و عقیده خویش را ابراز نمایند؛ ولی با توجه به ادله مربوط به «بغی»، «ارتداد» و «حفظ نظام»، سه حالت از شمول این اصل اولی خارج و استثنا شده است:

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- اولاً، بیان عقاید مخالف با حاکم اسلامی که به قیام مسلحانه علیه وی منتهی شود؛
- ثانياً، بیان عقاید مخالف با مبانی حکومت اسلامی (اسلام) که با هدف تضعیف اساس حکومت صورت گیرد، یا در عمل به تضعیف آن بینجامد؛

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

• ثالثاً، بیان عقاید فردی که باعث برهم خوردن نظم عمومی و بروز هرج و مرج گردد.

• فقط در این سه صورت است که از افراد در این «موضوع»، سلب امنیت می‌شود و جان، مال و آزادی آنها - البته در برخی صور - حرمت نخواهد داشت.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- به عبارت دیگر، با رعایت این سه ضابطه است که حق نظارت همگانی، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر برای آحاد جامعه به رسمیت شناخته می‌شود* و آنها باید بتوانند آزادانه در مقام مشورت و نصیحت به حاکمان برآیند و اظهار نظر کنند.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

• 4. حق انتخاب شدن

• جلوه دیگر امنیت سیاسی در سطح فردی را می توان در حق انتخاب شدن و به عبارتی، حق و امکان افراد برای اینکه بتوانند به عالی ترین مناصب مدیریت جامعه برسند، دانست.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- به عبارت دیگر، اگر شهروندان این امکان را پیش روی خویش ببینند که در صورتی که بخواهند، می‌توانند با کوشش و برنامه‌ریزی به بالاترین سطوح حاکمیت دست یابند، نوعی احساس آرامش و امنیت خواهند کرد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- برای بررسی این جنبه از امنیت سیاسی افراد، ضروری است شرایطی که در منابع و متون فقهی برای حاکم اسلامی برشمرده شده است، مورد ملاحظه قرار گیرد تا معلوم شود آیا عموم مردم حق تصدی زعامت مسلمانان را دارند یا آنکه فقط صنف، طبقه و گروه خاصی می‌تواند به این مقام نایل شود و دیگران به فرمانبرداری محکوم‌اند.

• از کلام حضرت امام و دیگر بزرگان این گونه برداشت می شود که برای حاکم جامعه اسلامی، دو دسته از شرایط لازم است؛ «شرایط عمومی» همچون عقل و تدبیر (خمینی، ۱۴۲۳، ص ۴۸) که در همه جوامع برای حاکمان شان مقرر می دارند و «شرایط اختصاصی» که به فقهای شیعه منحصر است و در دو شرط بیان شده است: «علم به قانون» (همان، ص ۴۷) یا اجتهاد مطلق و «برخورداری از کمال اعتقادی و اخلاقی» یا عدالت

(همان).***

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه (حسین رحمت اللهی ۱ نجف لک زایی ۲ محمدجواد ارسطا ۱ هادی حاج زاده

۳

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- چنین شرایطی از دو جنبه می‌تواند برای عموم افراد جامعه تولید امنیت نماید؛ اول، از این جهت که لزوم وجود چنین معیارهایی در حاکمان آنها و پیش‌بینی سازوکارهای نظارتی متعدد و مردمی بر تداوم این ملاک‌ها، ضامن بسیاری از حقوق و آزادی‌های بنیادین مردم است و مردم این اطمینان خاطر را می‌یابند که از جانب حاکمان‌شان مورد تعدی و خیانت قرار نمی‌گیرند (ر.ک: ارسطا، ۱۳۸۹، ص ۱۴۷ به بعد)؛

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- دوم، هر فردی می‌تواند با سعی و تلاش خویش و بر پایه استعدادهای درونی‌اش، به عالی‌ترین سطوح مدیریت جامعه اسلامی برسد و در این میان، هیچ ملاک و مزیت تبعیض‌آمیزی به چشم نمی‌خورد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- به عبارت دیگر، اسلام با کشاندن بستر رویش و خاستگاه رهبری به میان توده مردم و بستن راه هرگونه انحصار در خاستگاه رهبری، انتخاب رهبر از میان گستره نامحدود جامعه را به مردم سپرده است و این مردم‌اند که به طور مستقیم یا با واسطه خبرگان منتخب خود، فردی واجد صلاحیت را از این پهنه نامحدود و از میان خود به رهبری برمی‌گزینند و این‌گونه در شکل‌گیری کانون قدرت سیاست سهیم می‌گردند (مؤمن، [بی‌تا]، ص ۳۱).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- برخی دیگر از نویسندگان، برای دفع شبهه ناسازگاری ولایت فقیه با این جنبه از «امنیت سیاسی افراد» (یعنی حق همه افراد در انتخاب شدن به مناصب سیاسی)، معتقدند:

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- اگر ولی فقیه به اسم معین شود، به گونه‌ای که دیگران در عین داشتن شرایط لازم، نتوانند این سمت را احراز نمایند، این قطعاً با اصول دموکراسی مغایر خواهد بود؛ اما قرار دادن یک سری شرایط متناسب با آن سمت، برای کسانی که می‌خواهند این سمت را احراز نمایند، هیچ مغایرتی با اصول دموکراسی ندارد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- همان طور که قانون اساسی برای ریاست جمهوری نیز شرایطی قرار داده ... مهم آن است که این شرایط، اکتسابی باشد و هرکس بتواند آن را تحصیل کند و بتواند خود را برای انتخاب شدن، نامزد نماید (هدایت نیا، ۱۳۸۱، ص ۴۱-۵۶ / ربک: عنابی و خلیلی شجاعی، ۱۳۹۰، ص ۶۴-۷۶).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- از آنچه گفته شد، معلوم می‌شود که شرط فقاہت، همانند شروطی مثل شجاعت، عدالت و مدیریت در مورد ولی امر، به این دلیل که اکتسابی‌اند و با توجه به اینکه رهبری جامعه اسلامی، امر مهم و حساسی است، نه تنها با اصول دموکراسی مغایر نیست، بلکه کاملاً منطقی به نظر می‌رسد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- افزون بر اینکه دقت در این ملاک‌ها و نیز ماهیت نهاد حاکمیت در اسلام، نشان می‌دهد که تصدی امر زعامت جامعه مسلمانان، نه یک حق، بلکه تکلیفی برگردن واجدان شرایط آن است که متضمن سختی‌ها و مرارت‌های بسیار می‌باشد؛

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- بنابراین چنانچه فردی به دلیل کاستی در برخی استعدادهای ذاتی (همچون قدرت مدیریت قوی، توانایی تحصیل در سطوح عالی علمی و...)، خود را از دستیابی به زعامت جامعه اسلامی دور بیند، در واقع تکلیفی از عهده او برداشته شده است، نه آنکه حقی از وی سلب شده باشد.* همچنین مطالعات میدانی اثبات کرده است که تمایل به دستیابی به یک منصب سیاسی، در افراد بسیار محدودی از اجتماع وجود دارد.**

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- نتیجه آنکه تأسیس نهاد «ولایت»، با ویژگی‌ها، شرایط و وظایفی که برای آن بیان شده است، نه تنها امنیت سیاسی افراد را در موضوع «حق بر انتخاب شدن» نفی نمی‌کند، بلکه آن را به گونه‌ای متعالی و سازمان‌یافته به جوامع انسانی عرضه می‌کند تا در سایه آن، امنیت در دیگر حوزه‌ها نیز تأمین گردد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- انتخاب کردن
- شاید بتوان یکی از مهم‌ترین موضوعات در امنیت سیاسی شهروندان را این امر دانست که آیا آنها حق مشارکت سیاسی دارند و می‌توانند در امور سیاسی نظام حکومتی‌شان مداخله کنند یا خیر و به چه میزان این مشارکت پذیرفته شده است.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- به عبارت دیگر، چنانچه شهروندان این حق را داشته باشند تا آزادانه، حاکمان جامعه خود را برگزینند و بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم باشند، به گونه‌ای که هیچ قدرت خارجی نتواند اخلاقی در حق انتخاب آنها به وجود بیاورد، از این جهت احساس امنیت خواهند کرد و در امنیت سیاسی به سر خواهند برد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- وجود چنین مسئله‌ای از دیرباز در کتب فقهی و با عنوان بیعت، کمابیش مورد توجه فقها قرار داشته است و در میان فقهای شیعه نمی‌توان فقیهی را یافت که به نظریه «تغلب» یا «الأمر لمن غلب» قائل باشد، بلکه تقریباً همه فقها به لزوم بیعت مردم با امام عادل (مشارکت سیاسی) برای تشکیل حکومت، قائل‌اند؛

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- ولی در این میان، درباره ماهیت بیعت (برای مطالعه شباهت‌ها و تفاوت‌های بیعت و انتخابات، ربک: اسماعیلی، ۱۳۷۷، ش ۸۵-۸۶، ص ۱۴۴)، یا مشارکت مردم و جایگاه آن در اندیشه سیاسی شیعه، دو نظریه وجود دارد که عبارت‌اند از: «نظریه مشروعیت‌بخش بودن» و «نظریه کارآمدی».*

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- در نظریه‌ای که مشارکت مردم را به عنوان عامل مشروعیت بخش حکومت در نظر می‌گیرد (نظریه انتخاب)، حاکمیت حق خداست؛ ولی خداوند، این حق خویش را به انبیا و اولیا و در غیبت آنان، به عموم بندگان خود در جامعه اسلامی واگذارده است.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- براساس این دیدگاه، شارع مقدس برای عصر غیبت، شرایطی را برای حاکم مسلمانان ذکر کرده است و این مردم‌اند که یکی از افراد واجد شرایط را به رهبری انتخاب می‌کنند. برخی علمای معاصر، ولایت فقیهان و تشکیل حکومت اسلامی را به انتخاب مردم دانسته‌اند؛ به عنوان مثال، علامه طباطبایی در این باره بیان می‌دارد:

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- در هر صورت، پس از پیامبر اکرم [?] و پس از غیبت امام (عج)، بسان روزگار ما، بی‌گمان امر حکومت اسلامی بر عهده مسلمانان است. در این باره چیزی که می‌توان از قرآن استفاده کرد: مردم باید بر اساس سیره پیامبر [?] که همانا روش امامت است، نه روش پادشاهی و امپراطوری، برای اجتماع خویش حاکم برگزینند و به گونه‌ای رفتار کنند که دگرگونی در احکام پدید نیاید و با رایزنی و مشاوره، اداره امور و رخدادهایی که به اقتضای زمان و مکان پدید می‌آیند، انجام پذیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۲۴).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- آیت‌الله سبحانی نیز در این باره می‌نویسد:
- در این زمان، شیوه تشکیل حکومت آن است که مردم حاکم اصلی را برابر معیارها و آیین‌هایی که در کتاب و سنت بر آنها به روشنی اشارت شده، برگزینند، یا اینکه مردم به حاکمی که ویژگی‌های شرعی را دارد، رضا دهند (سبحانی، ۱۴۱۳، ص ۱۸۶-۱۸۸).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- یکی دیگر از صاحب نظران، ضمن بیان قصور ادله از اثبات نصب فقها بر منصب ولایت جامعه اسلامی، تنها راه ممکن برای زعامت مسلمانان را رأی و انتخاب مردم دانسته است (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۹۳ به بعد).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- در مقابل، براساس نظریه‌ای که مشارکت مردم را به عنوان تنها راه کارآمدی حکومت می‌داند (نظریه انتصاب)، حاکمیت حق خداست؛ ولی خداوند این حق خویش را فقط به انبیا و اولیا و در غیبت آنها به منصوبان آنها (منصوبان خاص و عام) واگذارده است و نه به عموم افراد جامعه؛ بنابراین حضور، رأی و مشارکت مردم، تأثیری در مشروعیت حکومت ندارد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- صاحب جواهر، هم خود بر این مطلب اشاره روشن دارد و تأکید می‌ورزد و هم از محقق کرکی نقل می‌کند که این مسئله مورد اجماع است که فقیهان از سوی امامان [?] به ولایت گمارده شده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۳۹۶). مرحوم نراقی نیز در این باره می‌فرماید:

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- [در روایات] در حق فقیه، منش‌ها و ویژگی‌های زیبا و برتری‌های بزرگی وارد شده است و همانها بسنده می‌کند که دلیل باشند بر گماردگی فقیهان از سوی امامان [؟] (نراقی، ۱۴۱۷، ص ۵۳۸).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- در عین حال، برخی فقها به این نکته توجه داده‌اند که اگر امامت را نه در اندازه یک نظریه، بلکه به عنوان یک واقعیت جامعه اسلامی مطرح نماییم، مسئله بیعت و پذیرش مردم، خودبسته خود یکی از عناصر تشکیل دهنده آن خواهد بود.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- این امر بدین معنا نیست که امام بدون انتخاب یا پذیرش مردم، واجد صلاحیت امامت نیست یا قبول مردم، از شرایط امامت است، بلکه بدین معناست که بدون پذیرش از سوی مردم، امامت امام واجد صلاحیت و انتخاب شده از جانب خدا عینیت نمی یابد (عمید زنجانی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴ / ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۶۱ به بعد / مؤمن قمی، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۱ به بعد)؛

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- بنابراین اگر مقبولیت حاکمیت ولی فقیه از دست برود، مشروعیتش از دست نمی‌رود، بلکه تحقق حاکمیت و اجرایی شدن آن با مشکل مواجه می‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۳). بر این اساس، برخی نویسندگان، حضور و مشارکت سیاسی شهروندان را به دلیل وجوب حفظ نظام جامعه اسلامی و تعیین آن در انتخابات در زمان حاضر، واجب دانسته‌اند (ملک‌افضلی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۴).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- امام خمینی در پاسخ به نمایندگان خود در دبیرخانه ائمه جمعه سراسر کشور که پرسیده‌اند «در چه صورت، فقیه جامع‌الشرایط در جامعه اسلامی ولایت دارد؟»، فرموده‌اند:
- ولایت در جمیع صور دارد؛ لکن تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت، بستگی به آرای اکثریت مسلمین دارد که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است و در صدر اسلام تعبیر می‌شده به بیعت با ولی مسلمین (خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲۰، ص ۴۵۹).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- همچنین ایشان در ابتدای انقلاب و درباره تشکیل دولت موقت، این گونه فرمودند:
- ... ما به واسطه اتکا به این آرای عمومی - که شما الآن می بینید و دیدید، تاکنون که آرای عمومی با ماست و ما را به عنوان «وکالت» یا بفرمایید به عنوان «رهبری»، همه قبول دارند -

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- از این جهت ما یک دولتی را معرفی می‌کنیم، رئیس دولتی را معرفی می‌کنیم، [تا] موقتاً دولتی تشکیل بدهد که هم به این آشفتگی‌ها خاتمه بدهد و هم یک مسئله مهمی که مجلس مؤسسان است، انتخابات مجلس مؤسسان را درست کند ... و من باید یک تنبه دیگری هم بدهم و آن اینکه من که ایشان را حاکم کردم، یک نفر آدمی هستم که به واسطه ولایتی که از طرف شارع مقدس دارم، ایشان را قرار دادم.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

• ایشان را که من قرار دادم، واجب الاتِّباع است، ملت باید از او اتِّباع کند. یک حکومت عادی نیست، یک حکومت شرعی است؛ باید از او اتِّباع کنند. مخالفت با این حکومت، مخالفت با شرع است، قیام بر علیه شرع است ... قیام بر ضد حکومت خدایی، قیام بر ضد خداست. قیام بر ضد خدا، کفر است ... ما اعلام می‌کنیم که آقای مهندس بازرگان، حکومت شرعیه دارد از قبل من و بر همه واجب است که اطاعتش را بکنند (همان، ج ۶، ص ۵۸-۵۹).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- همچنین ایشان در فرمانی که برای تشکیل شورای انقلاب صادر کردند، رأی قاطع مردم را پشتوانه کار خود برمی‌شمارند: به موجب حق شرعی و براساس رأی اعتماد اکثریت قاطع مردم ایران که نسبت به اینجانب ابراز شده است، در جهت تحقق اهداف اسلامی ملت، شورایی به نام شورای انقلاب اسلامی مرکب از افراد باصلاحیت و مسلمان و متعهد و مورد وثوق، موقتاً تعیین شده و شروع به کار خواهد کرد (همان، ج ۵، ص ۴۲۶).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- حضور پُررنگ مفاهیمی همچون «مصلحت»، «حفظ نظام»، «حکم حکومتی»، «حکم ثانویه» و... در فقه سیاسی شیعه را می‌توان نشانه توجه و اهتمام ویژه فقهای امامیه به کارآمدی تصدی امور از جانب فقیه دانست.*

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- در جمع‌بندی این مباحث می‌توان گفت سخن در مشروعیت بخش‌بودن یا عینیت‌بخش‌بودن مشارکت مردم در این دو نظریه، بحثی فقط نظری و انتزاعی است و ثمره عملی معتناهی در موضوع امنیت سیاسی افراد بر آن قابل تصور نیست؛ چنان‌که در هر دو نظریه، حضور مردم، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای تصمیم‌ها و توجه به خواست آنها متبلور است.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- به عبارت دیگر، در هر حکومت اسلامی که فقیه در رأس آن باشد - هم بر مبنای نظریه انتخاب و هم بر مبنای نظریه انتصاب - مشارکت مردم در تشکیل حکومت و اداره آن به یک شکل و به یک اندازه مورد نیاز و پذیرش واقع می‌شود*** و فقط در ماهیت آن اختلاف نظر وجود دارد که این اختلاف در ماهیت، بحثی علمی و نظری قلمداد می‌شود.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- به علاوه در نظریه انتخاب نیز مردم موظف‌اند از میان فقهای واجد شرایط، دست به انتخاب بزنند و به همین دلیل، آزادی عمل فراوانی ندارند.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

• بر این اساس، در تلاقی امنیت سیاسی با بحث حاضر باید این گونه گفت که با توجه به آثار و پیامدهای مشابهی که به کارگیری هریک از این دو نظریه در امنیت سیاسی و حقوق اجتماعی افراد جامعه دارد، مشارکت مردم در تعیین یا تشخیص فقیه حاکم، امری محتوم و ضروری است و بر حکومت اسلامی واجب می باشد هم به منظور مشروعیت بخشی به تصدی فقیه حاکم و هم به منظور کارآمدسازی و جلوگیری از اختلال نظام، رأی و نظر مردم را در تعیین حاکمان بپذیرد و و به حقوق و امنیت سیاسی آنان گردن نهد.